

خیلواکی



استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

شنبه ۲۷ جولای ۲۰۲۴

انجمن تاریخ مندیگک

## نایب سالار غوث الدین خان لوگری و کارکرد های او



### پیشگفتار:

در این مختصر از مردی نام میبریم که با وجود ممانعت پادشاه و دستور اکید او؛ به دفاع از خاک و سرزمین خویش می پردازند، بلی جنرال غوث الدین خان لوگری که با ۵۰۰ نفر مقابل اردوی بزرگ روسیه تزاری قرار گرفت و مردانه جنگید.

یکی از مردان بزرگ قوم اورمر قهرمان و غازی نایب سالار غوث الدین خان لوگری پسر محمد عیسی خان از قوم زقوم خیل اورمر ولسوالی برکی برک ولایت لوگر می باشد. برادران جنرال غوث الدین خان؛ ملک سعادت خان ( ملک قوم زقوم خیل اورمر و ملک عزیز خان حاکم پنجده در زمان امیر عبدالرحمن خان بود، و ملک محمد شریف خان )

تاریخ افغانستان مشحون خدمات غوث الدین خان لوگری در جنگ پنجده با روسها است. موصوف بر علاوه قوماندۀ جنگ پنجده؛ در تعیین سرحد بین ایران و افغانستان نماینده افغانستان بود، حکمران شهر میمنه شد و کارهای عام المنفعۀ او تا حال پا برجاست. بند سرحوض یکی از کار های او است که نام او را در دل هموطنان فاریابی و شهریان میمنه ماندگار ساخت. جاده های شهر میمنه از دست آورد های دیگر او است که کهن سالان ما هنوز از او به نیکویی یاد میکنند.

او شخص مدبر ولایت بود و خدمات بزرگی در تاریخ کشور انجام داد؛ اما هرگز در مورد شناخت و کارکرد های او کسی حرف نزده است...، بالاخره او در سال ۱۳۲۴ هـ ق = ۱۹۰۶ م وفات نموده و در جوار روضه شاه ولایتآب در مزار شریف دفن گردیده است.

### جنرال غوث الدین خان و جنگ پنجده:

پنجده، روستایی در ساحل شرقی دریای کوشک در نزدیکی محل پیوستن آن به دریای مرغاب در کشور ترکمنستان فعلی موقعیت دارد. پنجده به پنج آبادی نزدیک و جدا از هم گفته می شد که پس از آباد شدن و اتصال مستحدمات آنها به یکدیگر به صورت یک محل درآمد بود. بنا به گزارش یاقوت این پنج ده عبارت بوده اند از ایغان، بهونه، خوزان، دَرَق (دزه) سفلی و مَرَسْت.

اهمیت تاریخی پنجده بیشتر به قرن ۱۳ هـ ق = ۱۹ م بازمی گردد. با پیشروی روسها در نیمه دوم قرن ۱۹ م به سوی آسیای مرکزی، انگلیسیها که از نزدیک شدن آنها به هندوستان نگران بودند، به تقویت حکومت مرکزی افغانستان پرداختند. روسها در ۱۳۰۱ هـ ق = ۱۸۸۴ م مرو و سرخس را به قلمرو خود افزودند. با تصرف مرو و نزدیکی روسها به هرات، افغانها که هرات را در خطر از دست رفتن می دیدند، نسبت به ادعاهای خود درباره اراضی مرو از جمله پنجده ایستادگی کردند و نیروهای به آن سوی گسیل داشتند؛ در مقابل، روسها نیز مدعی بودند که پنجده در شمار مناطق تحت نفوذ امرای افغانستان نبوده، و امیر افغانستان به تازگی به آنجا نیرو گسیل داشته است. از این رو، در ۳۰ مارچ ۱۸۸۵ م به نیروهای افغانی به فرماندهی جنرال غوث الدین خان لوگری، سعدالدین خان و تیمورشاه خان که با حدود هزارتن سرباز و به گفته میرغلامحمد غبار ۵۰۰ نفر در حوالی پنجده موضع گرفته بودند، اولتیماتوم دادند که در ۲۴ ساعت نیروهای خود را از پنجده خارج سازند؛ اما افغانها از این امر سرباز زدند. بنابر نظر یوسف ریاضی در عین الوقایع مشاجرات لفظی و فحش و ناسزا گفتن هر دو طرف آغاز نبرد شد. ریاضی فحش هر دو طرف را به زبانهای روسی و دری و پشتو در اثر خویش قید کرده است.

از سوی دیگر افسران انگلیسی نیز که در محل حاضر بودند، آنها را به مقابله با روسها تشویق می کردند و به غوث الدین خان اطمینان می دادند که روسها حمله نخواهند کرد. لیکن در پایان مهلت، روسها با سه هزار سرباز و تجهیزات مکمل نظامی حمله آوردند و پس از یک درگیری خونین که منجر به کشته شدن بیشتر نیروهای افغان شد، (۳۰۰ کشته و ۸۳ نفر زخمی) (۱) بر پنجده و آق تپیه دست یافتند، و در پی آن افسران انگلیسی هر اسان از معرکه به هرات گریختند. تا جائیکه لوازم و اسحله

خود را به افغانها ندادند تا دفاع نمایند. میگویند لباس و موزه ها اکثریت در اردوگاه باقی ماند و فرار را بر قرار ترجیح دادند.

تصرف پنجه از جانب نیروهای روسیه هیجان بسیاری را در انگلستان و هند باعث شد و برخی آن را مقدمه جنگ میان روسیه و انگلستان شمردند. گلاستن نخست وزیر (صدر اعظم) وقت انگلستان به وخامت اوضاع اعتراف، و روسها را به جنگ تهدید کرد و از پارلمان درخواست اعتبارات جنگی کرد. اما در نهایت انگلستان به سبب درگیریهای خود با فرانسه و در پی گفت و گو هایی که با روسیه به عمل آورد، تسلط آن کشور را بر پنجه به رسمیت شناخت.

به خاطر باید داشت که بخشی از حاکمیت امیر عبدالرحمن حاصل توافق روس و انگلیس بود. درست به همین دلیل و توافق از قبل برنامه ریزی شده بین انگلیس و روسیه است، که کنل (۴) کوماروف روسی زمانی که به تاریخ ۳۰ ماه مارچ ۱۸۸۵ م با نیروهایش به پنجه افغانستان حمله کرده و جنرال غوث الدین خان قوماندان سرحدی افغانستان را با یک هزار نفر سرباز تحت (فرمان) کشته و زخمی نمود و پنجه را متصرف شدند، اتفاقاً یک هیئت بزرگ انگلیسی به سرکردگی "سرپیترز لمسدن" با ۳۵ نفر صاحب منصب، ۱۳۰۰ نفر محافظ، ۴۰۰ قاطر و ۱۲۰۰ شتر بار در هرات مستقر بودند و علیرغم معاهده ای که با امیر عبدالرحمن بسته بودند که در مقابل تجاوزات کشور های خارجی از افغانستان حمایت می کنند، هیچگونه عکس العملی در مقابل این تجاوز آشکار روس ها به خاک افغانستان، از خود بروز ندادند. درحالیکه طبق قرارداد؛ گرانوویل-گورچاکوف- ۱۹۷۳ م بین دولتین انگلستان و روسیه خط سرحدی افغانستان در شمال پنجه قرارداد شد و دولت افغانستان پل خاتون را حد فاصل میدانست. ناگفته نماند که امیر عبدالرحمن نیز به این نقش تاریخی اش آگاه بود. به همین دلیل زمانیکه انگلیس ها در دوران مذاکرت امیر عبدالرحمن و نمایندگان دولت هند برتانیوی در اواخر مارچ ۱۸۸۵ م در راولپندی مسئله اشغال پنجه را توسط روس ها با امیر عبدالرحمن خان در میان گذاشت، امیر عبدالرحمن با کمال خونسردی و وقاحت چنین جواب داد: "... من یک پارچه خاکی را که روسیه بر سر آن نزاع دارد، بدولت روس میگذارم". (۲)

بعد از اینکه انگلیس ها، موافقه امیر عبدالرحمن را در قسمت واگذاری پنجه به روس ها، مشاهده کردند، آنگاه: "مقامات سیاسی روس و انگلیس به مذاکره نشسته با بی اعتنایی تمام به حقوق مردم افغانستان فیصله کردند که پنجه در دست قوای روسی بماند و برای حفظ ظاهر در عوض نیروی دولت مذکور در دهانه دره ذولفقار از موضع خود اندکی عقب برود. در ضمن جنرال لمسدن رئیس هیئت انگلیس در کار تعیین سرحد از وظیفه اش استعفا داده و به جای او کنل ریجوی به این کار گماشته شد. (۳)

جنرال تیمور شاه بعد از ختم جنگ اظهار داشت. جنگ پنجاه موجب شد تا ما دوست و دشمن را فرق کردیم. کسانی که ما را به جنگ انداختند (منظور انگلیس‌ها می‌باشند) و باز تنها گذاشتند دوستان حقیقی ما نیستند. در انگلستان نیز این روش دولت گلیدستون به بی‌شرافتی و بی‌عزتی انگلیس حساب شد. (۴)

انگلیس‌ها نه تنها در تحریک روسها برای جنگ علیه افغانها و اشغال پنجاه مستقیماً مسئول بودند، بلکه این انگلیسها بودند که به بهانه ای استحکام شهر هرات و ترس هجوم روس مصلاهی قشنگ و نفیس و تاریخی هرات را منهدم ساختند. اما مردم هرات از این حرکت وحشیانه برآشفتنده و اجتماع کردند و لب به نفرین و تلعین و مخالفت گشودند تا والی هرات از علمای مذهبی و روحانیون طرفدار دولت هرات مانند میا محمد عمر، میرگازرگاه و حاجی عوض کرباسی لزوم انهدام مصلا را گرفتند و به مردم پیش کشیده هیجان ایشان را خاموش کردند. (۵)

#### **اقدام جنرال غوث الدین لوگری، در ابطال خط (مایکلین):**

اختلافات مرزی میان افغانستان و فارس از سالها لاینحل مانده و مایه نزاع میان دو کشور بود. امیر عبدالرحمن خان که تابع سیاست انگلیس بود، مانند خط دیورند تصفیة این قضایا را به دولت انگلیس واگذار کرد. (مایکلین) جنرال قونسل بریتانیا در مشهد بود، صلاحیت داشت خط مرزی میان دو کشور را روشن کند. از (تهانه دهنه ای ذوالفقار تا تهانه ای موسی آباد) علامه گذاشت. ولی همینکه به علامه (سی و نه) رسید هیئت افغانی دید که اگر علامه سی و نه در موسی آباد تعیین شود (نمک سار و قسمتی از غوریان که از خاک افغانستان است) از دست میرود. رئیس هیئت افغانی جنرال غوث الدین خان لوگری بود، نمی‌توانست از فرمان امیر و نقشه (مایکلین) سر پیچی کند، در برابر علامه (سی و نه) خود را از اسب افگند و پایش شکست و بدین جهت کار تمديد علامه گذاری متوقف و نظر (مایکلین) خنثی گردید و تا عهد نادر شاه قضیه همچنان محل تنازع باقی ماند. قابل یاد آوریست که دولت ایران آقای کاظمی را که بعداً وزیر خارجه شد، بحیث جنرال قونسل فوق العاده به هرات فرستاد. مشارالیه، بکار های دست میزد که از روابط دو کشور بعید بود، مردم هرات علیه او به تظاهرات پرداختند و نایب سالار او را ظرف بیست و چهار ساعت از هرات خارج نمود. تا اینکه در سال ۱۳۱۳ هـ ش در جمله مسایل متنازع فیه بین فارس و افغانستان (چشمه گگ شوری) بود، نزدیک اسلام قلعه، سخن بجای کشید که رضا شاه شخصاً فروغی وزیر خارجه را فرستاد تا موضوع را مطالعه و به شاه گزارش بدهد.

فروغی دانشمند و فیلسوف بزرگ و انسان متواضع به آن دانش و انکسار، کمتر مردی در منطقه یافت می‌شد. وقتی محل را دید گفت این ( غش لوشی) یک چشمه شور است، هزار چشمه ای شیرین تصدق چشم برادران افغان ما باد. به این صورت حقانیت ما را تصدیق کرد و خط (مایکلین) باطل گردید و نمک سار و غوریان به مالک حقیقی آن یعنی افغانستان برگشت. (۶)

### کارکرد های جنرال غوث الدین خان لوگری در میمنه:

جنرال غوث الدین لوگری باوجود مخالفت پادشاه از پنجاه دفاع نمود، اما نسبت جنگ نابرابر؛ شکست خوردند و پنجاه به دست روسها افتاد. جنرال موصوف سالهای باقی عمر را در میمنه به حیث حکمران ماند. او در آنجا ازدواج نمود دو خانم از همان شهر گرفت. جنرال در عمران و آبادی شهر میمنه خدماتی فراموش ناشدنی انجام داد. از جمله:

۱ - اعمار جاده ولایت فعلی یا جاده غوث الدین خان از ساخته های او میباشد.

۲ - آنچه تا امروز مردم میمنه از او به نیکویی یاد میکنند همان ساختن بند سرحوض میمنه است. مردم میمنه به قلت آب دوچار بودند و اراضی آنها روز به روز لامزروع میگردد، بنابراین جنرال دست به ابتکار بزرگی زد. در فاصله ۳۵ کیلومتری این جلگه بندی ایجاد نمود که از رهگذر وسعت کاسه و ابگیری جای خیلی مناسب میباشد، این بند در سال ۱۳۱۸ هـ ق = ۱۹۰۰ م توسط جرنیل غوث الدین خان لوگری اورم به همکاری مردم و زمینداران میمنه بنا شده است. دیوار بند تماماً از سنگ ساخته شده است در آن هنگام در میمنه سمنت وجود نداشت. جنرال دستور ذوب چودن ( چُدن) را داد تا در میان سنگ ها از آن ریخته و استفاده شود. روی این منظور تا امروز با گذشت ۱۱۴ سال هنوز استوار باقی مانده است.

بعداً آب این بند از تاریخ تعمیر به (۱۶) حصه تقسیم و از موضع بند الی قریه چغاتک که در قسمت شمالی شهر میمنه واقع است، حبابه دارند که حبابه هر جوی و قریه در بین خودشان از قدیم معین و از روی آن حصه میبرند، اهالی زمیندار پایین این جلگه حبابه نداشته و از استفاده آن محروم میباشند. آب موجوده در فصل تابستان نیازمندی مردم را مرفوع نکرده و همواره باعث جنگهای خونین و عداوت در بین اهالی مناطق مختلف شهر میمنه در هنگام تقسیم و توزیع حبابه گردیده و میگردد.

### زندگی خصوصی و فامیلی جنرال غوث الدین خان لوگری:

جنرال غوث الدین خان دوبار ازدواج نمود. خانم اول وی از قوم اسحق زایی میمنه مشهور به ( ادی ) از اقوام سرشناس و مالدار میمنه بود. فرزندان او سناتور محمد عمر خان و دگروال سعدالدین خان و

عبدالاحمد خان بود. خانم دوم جنرال موصوف از سید های سرحوض میمنه مشهور به ( بی بی جان ) و فرزندان او مشاور عبدالله خان غوثی و نوراحمد خان بودند.

جنرال غوث الدین خان ۵ پسر داشت بنام های ملک محمد عمر خان ( بعداً سناتور دهه ۴۰ دیموکراسی بود )، مشاور عبدالله خان، نوراحمد خان که بعداً ترک دنیا کرد و جامه زهد و تقوی پوشید و در جوار روضه مزار شریف با مرقد پدر خود مسکن گزین شد، دگروال سعدالدین خان که با خواهر امان الله خان ( فرخ تاج بیگم دختر زرین بیگم ) ازدواج کرده بود، داستان این وصلت را بعداً خدمت هموطنان اضافه میکنم، و پسر دیگرش عبدالاحمد خان که در آوان شهاب فوت شده است، اما زمینهای مزروعی و ملکیت پسر فوت شده را که حدود دو هکتار و یا ده جریب زمین میشود به اقارب شان وقف کرده اند.

حال حاضر پسران جرنیل ( جنرال ) غوث الدین خان وفات نموده اند، اما نواسه و کواسه های او بیرون افغانستان بیشتر شان در امریکا و اروپا هستند و نواسه هایش در کابل شفاخانه مجهزی را هم بنام غوثی بنیاد گذاشته اند. این شفاخانه در منزل مسکونی شان واقع سرک اول کارته چهار کابل موقعیت دارد .  
(\*)

زیر نویسها:

- ۱ - غبار - میرغلامحمد افغانستان در مسیر تاریخ، ج اول، انتشارات خاور کابل، ۱۳۸۶، ص ۷۰۵.
- ۲ - سیف - پوهندوی سیف الرحمن ، اثرات ناگوار (بازی بزرگ Great Game) «» ۴۱ (برتعیین سرحدات یا حدود جغرافیایی افغانستان معاصر، کابل ناته، ۱۳۸۹ ه.ش.
- ۳ - فرهنگ، میر محمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج دوم ، ص ۴۰۸.
- ۴ - غبارمیرغلامحمد، افغانستان در مسیر تاریخ، ج اول ، ص ۷۰۵.
- ۵ - غبار ، ایضا، ص ۷۱۳
- ۶ - خلیلی - خلیل الله، تخلیص داستان های خلیلی توسط :خالق بقایی، قهرمان کوهستان عبدالرحیم خان نایب سالار، آریایی

(\*) لازم میبینم تا از اعضای خانواده و اقاربم در این جا تشکر کنم . محترم انجنیر محمد رفیق مسعود و نورچشمی ام محمد شریف جان که در سوانح خانواده محترم غوثی و تصاویر قلعه آنها همراهی نموده اظهار سپاس و تشکر نمایم سرفرازی همه تان را آرزومندم. ضمناً از تمام دوستان و اقاربم تقاضا دارم تا کاستی ها مطلب را انگشت گذاشته و نکات نظر خویش را برایم بفرستند.